

مضرب

درستایش کیهان کلهر

● **حمید فرید؛**کیهان کلهر، آهنگساز و نوازنده چیره‌دست، نوزدهمین جایزه اکسپوی جهانی «وومکس» را دریافت کرد. پیش از این «وومکس» در بیانیه‌ای دلیل این انتخاب را نوآوری و چیره‌دستی در نوازندگی و معرفی پیام موسیقی سنتی ایران به جهانیان اعلام کرده بود. این جایزه که با عنوان جایزه «ورلدموزیک (موسیقی جهان) اکسیو» شناخته می‌شود، معتبرترین جایزه جهان در شاخه موسیقی جهانی است که از سال ۱۹۹۹ شروع به فعالیت کرده و از آغاز این جایزه برای احترام و ارج‌نهادن به موارد برجسته موسیقی جهان در سطح بین‌المللی و با اذعان به تعالی موسیقی، اهمیت اجتماعی، موفقیت تجاری، تأثیر سیاسی و یک عمر دستاورد هنری معرفی کرده و بنیان شده است. کلهر پس از دریافت جایزه هزمنده سال، بیان کرد: «معمولا پیش نمی‌آید که انسان وقتی زنده است مورد تجلیل واقع شود؛ از این‌رو بسیار محترم و تحت تأثیر قرار گرفتم، هرچند من این جایزه را یک دستاورد شخصی محسوب نمی‌کنم. سال‌های بسیاری مرارت، دانش و پشتکار، پیشینه موسیقی ایرانی است که من محصول آن گذشته و پیشینه هستم. امروز این جایزه را از طرف تمام جامعه موسیقی ایرانی می‌پذیرم و به نمایندگی از جامعه موسیقی ایرانی آن را به استاد محمدرضا شجریان، استاد بزرگ موسیقی ایرانی که در چند سال گذشته در بستر بیماری بودند و دل‌تنگ شنیدن صدایشان هستیم، تقدیم می‌کنم. امیدوارم که حالشان خوب باشد و این هدیه را از من بپذیرند». کیهان کلهر نشان داد امروز هم می‌توان تنها با نواختن موسیقی مقامی و ردیف، موسیقی ایران را جهانی کرد. موسیقی‌ای که پایه‌اش بر معرفت شرقی است، همان معرفتی که سبب می‌شود این جایزه به «میزان صدای موسیقی ایران» -استاد محمدرضا شجریان- تقدیم شود. راستش را بخواهید نوشتن از کلهر در خور چون منی نیست و جسارت و کوچکی‌ام را به صداقت این نوشته ببخشید. استاد کیهان کلهر زاده شده در کرانه‌های زاگرس این سرزمین هنرپرور و اهورایی، کرمانشاه، است. او از کودکی به آموختن ساز کمانچه پرداخت. کلهر با اصرار ورزیدن بر بلوغ این ساز و کشف ظرفیت‌ها و لایه‌های گسترده و مخفی‌مانده کمانچه باعث شد تا سازی گمنام، در وسعت و معنای جهانی، ظهور و وجود خود را ثابت کند. کلهر در این ساز ایرانی، «ایران» را با تمام فرهنگ‌هایش در نظر گرفته است و سازی مثل «کمانچه» را که اتفاقا در بافت‌های مختلف فرهنگی ایران‌زمین بستر دارد، با همین دیدگاه نواخته و می‌نوازد؛ سازی که پیش از کلهر به همت استاد علی‌اصغر بهاری پس از سال‌ها از حلقه و انزوای روستایی به در شد و در مدنیت دلنشین انسان ایرانی و در سطحی ملی و فراگیر صاحب فرصت شد. نبوغ کلهر در نوازندگی این ساز مثال‌زدنی است. نبوغ چیزی جز اصرار ورزیدن بر حقیقت و تحمیل این حقیقت بر زمان و مکان و انسان نیست. اتفاق ویژه‌ای که خصلت منحصربه‌فرد هنرمندانی مثل شجریان، لطفی، مشکاتیان، علیزاده و کلهر است. کلهر خنیاگری است که باید به زیر و بم شبکه ذهنی او دقت کنیم. چنین استعدادی است که حس‌های درونی انسان را هم با واسطه ابزار محدود به نام کمانچه به جهان نامحدود هدیه می‌کند. او مجنون‌وار ساز می‌زند و جسم و جانش با سازش یکی می‌شود. او هنگام نواختنش، از هر امکان ساز، حتی نواختن در دسته ساز هم استفاده می‌کند تا بتواند احساس خود را بروز دهد، در همین نوع رابطه او با ساز نهفته است؛ گویی نوعی عاشقانه و مشاعره بین او و سازش جاری است و در یک مکالمه معنوی حظ بصری منحصربه‌فردی را به شنونده انتقال می‌دهد. کیهان کلهر عاشقانه ساز می‌نوازد، اصلا خود را به فرمول‌ها و شیوه‌های دیکته‌شده نوازندگی پایبند نمی‌کند و اساسا نوازنده‌ای است که به خود و سازش فرصت ارزاشدن از این قید و بندها را می‌دهد و به معنای کامل کلمه، با سازش پرواز می‌کند. برای کلهر «کمانچه» صدای اوست، روی دو رانو نشسته و آرشه بر قلب مخاطب می‌کشد؛ گاهی نرم، گاهی تند و گاهی چنان ملتهب که سرش با حرکت آرشه می‌آید و می‌رود، گویی تمامی بدنش ساز می‌زند و مخاطبش را با رویایی همراه می‌کند که نه این جهانی است. شیدایی‌اش در نوازندگی نشان متمایز کلهر شده است. کمانچه در دست‌اش فقط نقش یک ساز را ندارد بلکه به عنوان یک بازیگر ایفای نقش می‌کند. اجراهایش هم محتوا دارد و هم تکنیک و هم تماشایی است. او هنرمندی است که برای شناساندن موسیقی ایرانی با غیرایرانی‌ها تلاش بسیاری کرده‌است. هنگامی که می‌نوازد انگار زبانی کامل ایجاد می‌کند و ارتباطی بین سراسر مردم جهان از گذشته دور تا آینده برقرار می‌کند. کیهان کلهر در طول زندگی حرفه‌ای خود با بهترین نوازندگان جای‌جای ایران همکاری کرده و موسیقی اقوام کردستان و خراسان را مورد مطالعه قرار داده و با موزیسین‌های سایر فرهنگ‌ها نیز با زبان موسیقی گفت‌وگو داشته است؛ ازجمله شجاع حسین‌خان از هند، یویوما و گروه بین‌المللی جاده ابریشم، اردال ارزنجان از ترکیه، تریو هلندی امپرات، تومانی دیاباته از مالی، گروه بروکلین رابدر و کوارتت کروئوس؛ از این‌رو به همه این صداها اجازه می‌دهد تا صدای او را فراگیر کنند. او در یک کلام هنرمندی است که با کوشش و بهره‌گیری از تحصیلات آکادمیک به چهره‌ای جهانی تبدیل شده و تاکنون چندین بار نامزد جایزه «گرمی» شده است و چندین جایزه در فستیوال‌های بین‌المللی را نصیب خود و موسیقی ایران‌زمین کرده است. این افتخار نوش جان فرهنگ موسیقی ایران‌ناب داد.



فرادک آرتا

حالا که «خانه پدری» بعد از شش روز اکران، مجددا توقیف شد! مناسب دیدیم به احترام تماشاگرانی که در این مدت کوتاه به سینما رفتند و بای فیلم نشستند، گفت‌وگوی کوتاهی درباره اِین فیلم با «سعید عقیقی»، منتقد و مدرس سینما انجام دهیم.

ک مهم‌ترین سؤال در حال حاضر این است که چرا هججه علیه فیلم زیاد شد؟

من هنوز هیچ «نقدی» علیه فیلم نشنیده و نخوانده‌ام. هر چه شنیده‌ام فقط نظر بوده! ظاهرا «سینما» مثل «فوتبال» است و همه درباره‌اش نظر می‌دهند. نظر حق همه است. یکی می‌گوید هرکس فیلم را دوست دارد چیزی نمی‌فهمد، عده‌ای هم برعکس. من هردو گروه را متوجه می‌شوم، اما این ربطی به موجودیت فیلم ندارد و بحثی است مربوط به بعد از اکران فیلم. روایت تاریخ این است که فیلم ۹ سال پیش ساخته شده اما مجوز نگرفته است، سپس سال ۹۲ در جشنواره فیلم فجر نمایش داده شده، در سال ۹۳ به نمایش درآمد، چند روز بعد نمایش آن متوقف شده است و حالا بعد از پنج سال مجوز گرفته، چند روز به نمایش درآمده و باز خبر آمده که نمایش‌اش متوقف شده است. الان احتمالا تعداد کسانی که در جشنواره فجر و نمایش‌های بعد از جشنواره این فیلم را دیده‌اند، از کسانی که در روزهای اکران فیلم را دیده‌اند، بیشتر است.

کا وقتی مطالب منتقدان فیلم را می‌خوانم، ناخودآگاه یاد موضوع‌گیری‌های افسرد مختلف در برابر فیلم «همشهری کین» می‌افتم! خیلی راحت بدون اینکه فیلم را درک کرده باشم، از کنارش می‌گذرند یا انکارش می‌کنند! به نظر شما اِین رفتارها در قبال «خانه پدری» از چه ریشه می‌گیرد؟

من معلم سینما هستم. بارها دیده‌ام که هنرجویان با فیلم کاری ندارند و با تصویر ذهنی خودشان درگیر شده‌اند. همین واکنش‌ها نسبت به «خانه پدری» که درباره خشونت و تأثیرات آن است و

گروه هنر؛ نمایش فیلم «جوکر» در سینما گزند رکس پاریس با فریادزدن فردی مختل شد و تماشاگران وحشت‌زده به سمت درهای خروجی هجوم بردند. به گزارش هالیوود ریپورتر، بر اساس اعلام رئیس سینما گزند رکس پاریس، هدف این فرد از فریاد «الله‌اکبر» در سالن نمایش فیلم «جوکر»، ایجاد ترس و وحشت در حاضران در سالن و سرقت کیف، موبایل و دیگر لوازم شخصی آنها بوده است. طبق اخباری که اولین‌بار در روزنامه فرانسوی «پاریزن» منتشر شده است، مخاطبان سناس ساعت ۹:۳۰ یکشنبه‌شب فیلم «جوکر» در میانه‌های نمایش فیلم متوجه مردی ۳۴ساله شدند که درحالی‌که روی صندلی خود نشسته بود، می‌گفت «این سیاسی است» و زمانی که برخی از تماشاگران برای ساکت‌کردن او تلاش کردند، این مرد ایستاده، فریاد «الله‌اکبر» سر داده و شروع به صحبت‌کردن به زبان عربی کرده است. در این هنگام، برخی از تماشاگران شروع به

فردی مختل شد و تماشاگران وحشت‌زده به سمت درهای خروجی هجوم بردند. به گزارش هالیوود ریپورتر، بر اساس اعلام رئیس سینما گزند رکس پاریس، هدف این فرد از فریاد «الله‌اکبر» در سالن نمایش فیلم «جوکر»، ایجاد ترس و وحشت در حاضران در سالن و سرقت کیف، موبایل و دیگر لوازم شخصی آنها بوده است. طبق اخباری که اولین‌بار در روزنامه فرانسوی «پاریزن» منتشر شده است، مخاطبان سناس ساعت ۹:۳۰ یکشنبه‌شب فیلم «جوکر» در میانه‌های نمایش فیلم متوجه مردی ۳۴ساله شدند که درحالی‌که روی صندلی خود نشسته بود، می‌گفت «این سیاسی است» و زمانی که برخی از تماشاگران برای ساکت‌کردن او تلاش کردند، این مرد ایستاده، فریاد «الله‌اکبر» سر داده و شروع به صحبت‌کردن به زبان عربی کرده است. در این هنگام، برخی از تماشاگران شروع به

گفت‌وگو با سعید عقیقی درباره «خانه پدری»

هر کسی مخاطب هر فیلمی نیست



بعد از ۹سال به طور محدود اکران شد و محدودیت سنی هم گذاشته بودند، نشان می‌دهد که چقدر حق با «فیلم» است. اگر مشکل فیلم خشونت است، ما ربطی به موجودیت فیلم ندارد و بحثی است مربوط به بعد از اکران فیلم. روایت تاریخ این است که فیلم ۹ سال پیش ساخته شده اما مجوز نگرفته است، سپس سال ۹۲ در جشنواره فیلم فجر نمایش داده شده، در سال ۹۳ به نمایش درآمد، چند روز بعد نمایش آن متوقف شده است و حالا بعد از پنج سال مجوز گرفته، چند روز به نمایش درآمده و باز خبر آمده که نمایش‌اش متوقف شده است. الان احتمالا تعداد کسانی که در جشنواره فجر و نمایش‌های بعد از جشنواره این فیلم را دیده‌اند، از کسانی که در روزهای اکران فیلم را دیده‌اند، بیشتر است.

کا اما درباره فیلم باید بگویم، شاید به نظر برسند نقد تحجر و زن‌ستیزی در فیلم در نهایت «عربانی» به تصویر کشیده شده است. به نظر شما آیا فیلم‌ساز می‌توانست در عین بیان تصویری اِین نوع نگرش، رویکرد خود را تعدیل کند؟ اصلا ضرورتی داشت اِین‌گونه دفعی و مستقیم، موضوع را روایت کند؟

نمی‌دانم. وزارت بهداشت اعلام کرده که درصـد خشونت‌های خیابانی نسبت به چندسال قبل بیشتر شده است. می‌شود از آدم‌های خیابان بخواهیم همدیگر را کمی بپوشا ثر کتک بزنند؟ آیا به حرف ما گوش می‌کنند؟

کا عنوان فیلم به‌نوعی «پدرسالاری» را تداعی می‌کند. موضع‌گیری‌ها اصلا از همین‌جا شروع می‌شود که جامعه ما هنوز از «مردسالاری» عبور نکرده است و

همین نکته مخاطب عام را دلخور می‌کند. به نظر شما چنین نگرشی چقدر برای جامعه در حال گذار ما بهداشتی است؟

هر کسی مخاطب هر فیلمی نیست. مخاطب عام هم بعید می‌دانم فیلم را دیده باشد که بعد دلخور بشود. اگر منظور شما را از کلمه «بهداشتی» درست فهمیده باشم، فیلم‌ها اصولا غیربهداشتی‌اند. تنها فیلم واقعا بهداشتی‌ای که به یاد می‌آورم «بهداشت دندان» از عباس کیارستمی است.

کا اصلا سکانس اولیه فیلم -مورد توقیف- چه کارکرد فرمی در روند فیلم داشته است؟
صحنه اول فیلم نشان می‌دهد چه کسی کشته می‌شود، چرا و چطور. پس به نظر می‌رسد وجودش لازم باشد.

کا ایده انتقال و تغییر زمان داستان از طریق تأکید دوربین روی قفل در خانه و... چقدر خلافا نه است و به نظر شما تکرار چندباره آن، زیادی نیست؟

به آنچه اشاره کردید در اصطلاح «نقد» می‌گویند «نقش‌مایه» که عبارت است از عنصری تکرار‌شونده که یکی از الزامات ایجاد نظم و

انسجام است. فقط «قفل» هم نیست. آن تاب گوشه حیاط هم هست، زیرزمین هم هست، ردیف‌های تکراری را از انتهای هر بیت یک غزل بردارید. بعد آن را بخوانید و ببینید شعر حافظ به چه تبدیل شده است.

کا برخی‌ها معتقدند ریتم فیلم کمی کند است. نظراتان چیست؟

چیزی به نام ریتم تند و کند در سینما وجود ندارد. ریتم مناسب و نامناسب داریم. ریتم فلان فیلم «هیچکاک» نسبت به فیلم «ژنگاورتف» کند است، اما نسبت به روایت داستان خودش درست عمل می‌کند. احتمالا «خانه پدری» باید چند قتل دیگر در میانه و پایان جور می‌کرد تا ریتم آن به نظر صاحب‌نظران تندتر به نظر برسد. ریتم «خانه پدری» به نظر مناسب است و با چرخه تاریخی‌اش هماهنگی دارد.

کا اصلا دستاورد فیلمی مثل «خانه پدری» برای سینمای ایران چیست؟

تا اینجا مهم‌ترین دستاوردش ۹سال تعویق نمایش عمومی بوده و البته شنیدم دوباره توقیف شده است. احتمالا با همین فرمان پیش برویم، درک دستاوردش شاید با ۱۹ یا ۲۹سال طول بکشد!

کا فیلم «خانه پدری» چه جایگاهی در سینمای ایران دارد؟

کار تحلیگر، پرداختن به ساختار است و این گفت‌وگو جای تحلیل ساختار، یا حتی ایدئولوژی و مضمون فیلم نیست. از نظر ساختار نمایشی، خانه پدری در کنار «جدایی نادر از سیمین» بهترین فیلم ۱۰سال اخیر سینمای ایران است. قراردادی با بیننده‌اش می‌گذارد و بر سر همان قرار می‌ماند و با لحن مشخصی پیش می‌رود و به نتیجه می‌رسد؛ به همین سادگی. فیلم‌نامه ماهرانه‌ای دارد و کارگردانی استادانه‌ای. اگر با پفک و پاپ‌کورن به سینما آمده باشید که «مسخره‌بازی» لگانه کنید، احتمالا در لحظه‌هایی از فیلم دستان پاکت را گم می‌کند. مشکل بزرگ فیلم این است که خودش را جدی گرفته و بیننده‌اش را وادار به فکرکردن می‌کند. ما به سینما نمی‌رویم که فکر کنیم. احتمالا ما به سینما می‌رویم که یک سری چاخن و داستان پیش‌پاافتاده و حرف‌های زشت در حال رقصیدن ببینیم و بخندیم و سرگرم بشویم.

زیر درختان زیتون

بازیگران جدید «مست عشق»



● **گروه هنر؛** بنسو سورال، بوراک توزکوپاران و بوران کوزوم، بازیگران ترکیه‌ای، به جمع بازیگران «مست عشق» به کارگردانی حسن فتحی اضافه شدند. به گزارش روابط عمومی فیلم، بنسو سورال در نقش مریم، بوراک توزکوپاران در نقش سلسو ولد و بوران کوزوم در نقش علا‌الدین بازی خواهند کرد. تاکنون شهاب حسینی، پارسا پیروزفر، ابراهیم چلیکول، سلما ارچچ، هانده ارچل و حسام منظور نیز جلوی دوربین فیلم جدید حسن فتحی رفته‌اند.

اکران «مطرب» به تعویق افتاد



● **گروه هنر؛** اکران عمومی فیلم «مطرب» به کارگردانی مصطفی کیایی به تعویق افتاد. به گزارش روابط عمومی بخش فیلمیران در اطلاعیه‌ای که قبل از تعطیلات اعلام کرد، اکران «مطرب» یک هفته به تعویق افتاده است. در این اطلاعیه آمده است: «با احترام به تمامی مخاطبین گرامی که بلیت‌های پیش‌فروش فیلم سینمایی «مطرب» را تهیه کرده بودند، اکران این فیلم به کارگردانی مصطفی کیایی، به دلایل فنی یک هفته به تعویق افتاد و آن‌شالله با برطرف‌شدن مشکلات فنی اکران آن آغاز خواهد شد». در «مطرب» پرویز پرستویی، الناز شاکردوست، مهران احمدی، حسین امیدی، امین مقدم و محسن کیایی به ایفای نقش می‌پردازند.

هفته‌فرهنگی آلمان در شیراز

● **گروه هنر؛** سفارت آلمان در تهران به مناسبت دوستمین سالگرد دیوان غربی- شرقی اثر گوته، از تاریخ ۹ لغایت ۱۳ آبان ۱۳۹۸، هفته فرهنگی آلمان را در شیراز برگزار می‌کند. این برنامه شامل مراسم متنوعی در حوزه‌های سینما، علوم، تئاتر، هنر و ادبیات است. همچنین از میان میهمانان ویژه می‌توان به فلورین گراف هنکل فان داتر‌سمارک، برنده اسکار، «دورین دوری» نویسنده، «بروفسور دکتر آنکه بسه» متخصص سرشناس دیوان غربی- شرقی و «اشفتان وایدنر» نویسنده، مترجم و اسلام‌شناس اشاره کرد. هفته فرهنگی آلمان با همکاری شهرداری شیراز برگزار می‌شود.

«یه‌وا» بهترین فیلم خارجی جشنواره آمریکایی شد

● **گروه هنر؛** فیلم «یه‌وا» موفق به کسب جایزه بهترین فیلم خارجی از یازدهمین جشنواره DTLA» لس‌آنجلس شد. این فیلم از سوم آبان (۲۵ اکتبر) اکران خود را در ایالت‌های مختلف آمریکا آغاز کرده و بخش آن در قاره آمریکا از سوی کمیاتی «ونرافیلمز» به مدیریت کارینه نظریان انجام شده است. «یه‌وا» نخستین ساخته تأهید آباد، حضور در ۲۴ جشنواره بین‌المللی و دریافت چندین جایزه را در کارنامه خود دارد که از آن جمله می‌توان به جایزه بنیاد بولونج در فئتادوشمین جشنواره فیلم ونیز، جایزه بهترین فیلم از جشنواره «آریا» در لس‌آنجلس آمریکا، جایزه بهترین فیلم از چهاردهمین جشنواره بین‌المللی فیلم «رولان» ارمنستان، جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن در هفدهمین جشنواره «کینوشوک»، جایزه بهترین فیلم از پانزدهمین جشنواره زردآلوی طلایی در بخش پانوراما سینمای ارمنستان و جایزه فیلم برگزیده تماشاگران از دوازدهمین جشنواره فیلم «آزار» اشاره کرد.

معرفی هیئت انتخاب یک‌بخش جشنواره فیلم کوتاه تهران

● **گروه هنر؛** اعضای هیئت انتخاب بخش داستانی مسابقه ملی «سی‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران» معرفی شدند. «میردول موسوی»، «کاوه قهرمان»، «بهمن ارک»، «رضا فهیمی»، «نوشین معراجی»، «کامران رضایی»، «امید شمس»، «علی‌محمد قاسمی»، «شهریار پورسیدیان» و «کاوه سجادی‌حسینی» اعضای هیئت انتخاب بخش داستانی هستند که در هفته‌های گذشته هزارو ۲۱ اثر داستانی رسیده به دبیرخانه جشنواره را بررسی کرده‌اند.

جهانی غیرواقعی (زیستن در جهانی کاذب مانند مواد مخدر) بنام می‌برد. اِین دیالوگ‌ها که در فضایی الکن و با قطع ارتباطی درونی/معنوی بین «بودید» و «نیک» ردوبدل می‌شود، دیواری نامرئی بین کاراکترها می‌کشد که هرگونه ارتباطی در آن رو به فقررا می‌رود.

گویی نیک در پشت دیواری شیشه‌ای هر چقدر فریاد می‌زند، صدایش به پدرش نمی‌رسد و دیوید نیز از شنیدن صدای پسرش عاجز است؛ درحالی‌که با تلاشی اندوهناک درصدد است برای نجات پسرش به هر ریسمانی دست بیاویزد. سکانس فوق که سادگی ادامه ارتباط، ارتباطی عبث و الکن است. آنها نه بدون هم می‌توانند به زیستن ادامه دهند و نه با هم؛ و اِین رفتار خلّای بی‌واسطه‌ای می‌آفریند که جهانی ابزورد و خالی را برجسته می‌کند. مونولوگ‌های پایانی «نیک» مبنی بر ان‌جارش از زندگی واقعی و هر آنچه در آن معنایی واقعی دارد، بی‌تفاوتی و پست‌پازدن به همه موضوعات معنادر زندگی که پوچی مغرطی را به شخصیت تزریق می‌کند، شخصیت‌های ابزورد داستایوفسکی را به خاطر می‌آورد؛ شخصیت‌هایی که ناامیدانه تلاش می‌کنند بخشی از دنیایی باشند که به آن تعلقی ندارند و در آن بیگانه‌اند. نیک برخلاف مرد زیرزمینی داستایوفسکی، در تلاشی مذبوحانه درصدد است در سایه عشق به پدرش با هیولای درونش مبارزه کند. تلاشی که در جهان فیلمبک برخلاف سرنوشت واقعی نیک شف در جهان واقعی، به بستاری منسجم و بسته ختم نمی‌شود و به دور باطلی می‌انجامد؛ مانند انسان بیمار آخرالزمانی که بیماری را عبق جانش ریشه دوانیده و از رویارویی با آن عاجز است. ساختاری فرمبک و مارپیک که در آن نجات هرگز دوامی ندارد و بازگشت به جهنم در آن قطعی است.

و به تنهایی و انزوا خو می‌گیرد. نیک، در سکانس‌های که در رستورانی به دِین دیوید می‌آیند، دیالوگ‌های تکان‌دهنده‌ای از بحران هولناک وجودی‌اش را بیرون می‌ریزد که ریشه‌های شخصیتی درک‌نشده و متزلزل‌ش را برجسته می‌کند...

«من دست به کارهایی می‌زنم که باعث نمی‌شه متفاوت باشم. من دارم دیوونه می‌شم و تو فقط منو خجالت‌دهه می‌کنی. من به چیز شگفت‌انگیز می‌خوام که تو زندگی خلق نمی‌شه... من به مخلوق خاصم، خواشم می‌کنم اینو بفهم...».

نیک در خلال این دیالوگ‌ها سعی دارد به تعریف شخصی از خود برسد که در پایان، از بیان‌کردن آنها مملو از احساسی ناامیدکننده و ناتوانی ملال‌آوری می‌شود. دیالوگ‌هایی کلیدی که مفهوم آگاهی یعنی رنج‌کشیدن را مانند رفتاری شکنجه‌گر به مایه‌های شخصیتی نیک تزریق می‌کند و از او شخصیتی می‌سازد که برای فرار از جهانی که در آن هرچه می‌آفریند، راضی‌کننده نیست و درک نمی‌شود، به

